

کنوانسیون حمایت در برابر ناپدیدسازی اجباری و ضرورت پیوستن ایران به آن

عبدالله عابدینی *

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2017.27968

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۳

چکیده

«کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری» در تاریخ ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی لازم‌الاجرا شد. پیش‌تر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶، این کنوانسیون را تصویب کرده بود. مقرراتی که تحت لوای سازمان ملل متحد در این کنوانسیون گنجانده شده، رهیافت توسعه روزافزون حمایت از حقوق بشر را در سطح بین‌المللی و داخلی آشکار می‌سازد. به‌واقع، مقررات مندرج در این کنوانسیون، تا حدود بسیاری به زاویای مختلفی از گونه تقریباً رایجی از نقض فاحش حقوق بشر در سطح بین‌المللی و داخلی پرداخته و طی کنوانسیون بین‌المللی، خلأهای موجود در این زمینه را برطرف و کارهای انجام‌شده پیش از خود را کامل کرده است. این در حالی است که تحت شرایطی، ناپدیدسازی اجباری اشخاص در زمره جرائم علیه بشریت قرار می‌گیرد. این نوشتار، ابتدا نگاهی به تاریخچه پیدایش مفهوم ناپدیدسازی اجباری خواهد داشت. سپس، آورده‌های کنوانسیون با سایر اسناد حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و در پایان، مباحثی درباره نگاه ایران در زمان تدوین و تصویب کنوانسیون و ضرورت پیوستن به آن ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی

حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ناپدیدسازی اجباری، جرائم علیه بشریت

«چند نفر مرد از راه می‌رسند. آن‌ها به زور وارد خانه‌های مردم می‌شوند؛ چه غنی، چه فقیر، در کلبه‌ها و آلونک‌ها، در یک روستا یا در یک شهر، همه جا. در هر لحظه‌ای از شب یا روز سر می‌رسند، معمولاً با لباس‌های عادی و گاهی با لباس‌های فرم، اما همیشه مسلح هستند، بدون اینکه دلیل یا حکم بازداشتی ارائه کنند و همیشه بدون اینکه بگویند چه کسی هستند یا از چه کسی دستور می‌گیرند، یکی از اعضای خانواده را به درون ماشین می‌کشند و برای این کار، اگر لازم باشد به زور متوسل می‌شوند»^۱.

مقدمه

موضوع این نوشتار، بررسی جرم ناپدیدسازی اجباری از منظر حقوق بین‌الملل بشر است که از پایان دهه ۱۹۷۰ میلادی، توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده است. بر اساس آمار منتشره، از سال ۱۹۸۰ حدود چهل هزار نفر بر اثر ناپدیدسازی اجباری در ۹۰ کشور به سرنوشتی نامعلوم دچار شده‌اند.^۲ امروزه، ناپدیدسازی اجباری، یکی از معضلات جهانی شده و صرفاً محدود به منطقه خاصی از جهان نیست.^۳ در تقویم روزهای جهانی که سازمان ملل اعلام کرده، ۳۰ اوت، روز جهانی ناپدیدسازی تعیین شده است.^۴ گرچه این رویه، روزگاری محصول حکومت‌های دیکتاتوری شناخته می‌شد، امروزه در وضعیت‌های پیچیده‌ای چون مخاصمات و آشوب‌های داخلی نیز جهت سرکوب مخالفان به کار برده می‌شود.^۵

همان گونه که کمیته مربوط به ناپدیدسازی اجباری اشاره می‌کند، «ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان راهبردی برای اشاعه ترس و وحشت در درون جامعه به کار برده می‌شود. احساس عدم

1. Enforced or Involuntary Disappearances, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Fact Sheet No. 6/Rev.3, p. 1, Available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Publications/FactSheet6Rev3.pdf>

تاریخ بازدید تارنماها: ۳ خرداد ۱۳۹۵ و ۲۳ مه ۲۰۱۶

2. See, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances of 26 January 2011, pp. 40-557, also; http://www.diplomatie.gouv.fr/en/france-priorities_1/human-rights_1101/enforced-disappearances_6493/index.html.

3. Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances of 27 December 2005, paras. 4-5.

کارگروه مزبور معتقد است که فقر، بی‌سوادی، ضعف دستگاه قضایی، پذیرش سرنوشت، ترس از تلافی، کانال‌ها و سازوکارهای ناکارآمد، نظام نهادینه‌شده بی‌کیفرماندن و رویه سکوت، از جمله مواردی است که موجب می‌شود تا موارد مربوط به ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی هرگز گزارش نشود.

4. See, <http://www10.genecat.cat/drep/AppJava/cat/ambits/Pau/angles/calendar.jsp>

۵. به‌عنوان نمونه، در مخاصمه داخلی در پی بحران کشور لیبی، رئیس کارگروه مربوط به ناپدیدسازی اجباری، در خصوص موج ناپدیدسازی صدها تن در کشور لیبی اعلام خطر کرد. بر اساس گزارش رئیس کارگروه، آقای جرمی سارکین، افراد ناپدیدشده به محل نامعلومی برده می‌شوند که در آنجا ممکن است مورد شکنجه و دیگر رفتارهای توهین‌آمیز قرار گیرند یا حتی اعدام شوند. اخیراً کارگروه مزبور در خصوص اقدامات اخیر دولت چین در خصوص ناپدیدسازی برخی افراد در این کشور نیز هشدار داده است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=10889&LangID=E>

<http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=38058&Cr=china&Cr1=>

امنیتی که از طریق این رویه به وجود می‌آید، به خانواده و بستگان شخص ناپدیدشده محدود نمی‌شود و بر طبقات مختلف اجتماعی آن جامعه تأثیرگذار خواهد بود.^۶ در واقع، «ضمن نقض فاحش قوانین داخلی، می‌توان عمده‌ترین دلیل وقوع این پدیده را مأموران دولتی دانست که در راستای اجرای خط مشی دولت در مقابله با اعضای جنبش‌های شورشی و عمدتاً مخالفان سیاسی و حامیان آن‌ها مرتکب ناپدیدسازی اجباری می‌شوند».^۷

ناپدیدسازی، جرمی به شمار می‌رود که با ارتکاب آن، نقض‌های دیگر حقوق بشری نیز از جمله حق بر حیات، حق بر آزادی و امنیت شخصی، حق بر رهایی از شکنجه و رفتارهای ترذیلی و حق بر حضور در برابر قانون به وقوع می‌پیوندد. با این حال، همان طور که کارگروه مربوط به ناپدیدسازی نیز اذعان دارد، این جرم، جرم «یکتا و منسجم»^۸ به حساب می‌آید.^۹

در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ گرچه به طور صریح، سخنی از ناپدیدسازی اجباری به میان نیامده است، مواد متعددی به موضوع حقوق انسانی فرد در خصوص حق حیات، آزادی و امنیت شخصی (ماده ۳)، شناسایی برخورداری از حق حضور در برابر دادگاه (ماده ۷)، حق رهایی از شکنجه (ماده ۵) و حق رهایی از دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه و تبعید پرداخته است. میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ نیز به موادی در خصوص حمایت از فرد اشاره دارد: حق حیات (ماده ۶)، حق رهایی از شکنجه (ماده ۷)، حق آزادی و امنیت شخصی و رهایی از بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی (ماده ۹)، حق حضور در برابر دادگاه (ماده ۱۶) و اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۱۵). این مواد، پایه و اساس استنادی و استدلالی بسیاری از رسیدگی‌ها در کمیته حقوق بشر قرار گرفته است که در بخش‌های بعدی بدان‌ها اشاراتی خواهد شد.

در قانون داخلی بسیاری از کشورهای جهان، از جمله در قوانین اساسی به موضوع مصونیت اشخاص از تعرض، ممنوعیت دستگیری، تبعید بدون مجوز قانونی و ممنوعیت مطلق شکنجه اشاره شده است.^{۱۰} در قانون اساسی ایران نیز در فصل سوم، ذیل عنوان حقوق ملت، طی اصولی متعدد به این مسئله اشاره شده است که در صدر آن‌ها ضمن برجستگی اصل برائت (اصل ۳۷) و اصل

6. Enforced or Involuntary Disappearances, *op. cit.*, p. 2.

7. Tullio Scovazzi and Gabriella Citroni, *The Struggle against Enforced Disappearance and the 2007 United Nations Convention*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, p. 7.

8. Unique and Consolidated Act

9. Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on Enforced Disappearance as a Continuous Crime, para. 2, Available at: <http://www2.ohchr.org/english/issues/disappear/docs/GC-EDCC.pdf>

۱۰. از جمله مواد ۴ و ۵ اصلاحی قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، مواد ۱ تا ۳ قانون اساسی آلمان و مواد ۱۳، ۱۴ و ۲۲ قانون اساسی ژاپن. ن.ک: <http://www.constitution.org>

در قوانین داخلی برخی از کشورها از جمله ارمنستان، استرالیا، آذربایجان، کانادا، کنگو، فرانسه، آلمان، مالی، انگلستان، پرو و هلند نیز ناپدیدسازی اجباری ممنوع اعلام شده است. ن.ک:

http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_rul_rule98#top.

قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۸)، اشخاص از تعرض مصون هستند (اصل ۲۲) و هیچ‌کس را نمی‌توان بدون مجوز قانونی دستگیر کرد (اصل ۳۲) یا به محلی خاص تبعید کرد یا به اقامت در محلی خاص مجبور کرد (اصل ۳۳) و اینکه حق رهایی از شکنجه از یک سو (اصل ۳۸) و از سوی دیگر، دادخواهی نزد مراجع صالحه، حق مسلم هر فرد به شمار می‌آید و همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دسترسی به دادگاهی منع کرد که به موجب قانون، حق مراجعه بدان را دارد. (اصل ۳۴).

۱. پیشینه و مفهوم ناپدیدسازی اجباری

۱-۱. گذری تاریخی بر پیدایش مفهوم ناپدیدسازی اجباری

در مورد گذشته این جرم، می‌توان به رویه منظم دولت نازی آلمان در خلال جنگ جهانی دوم اشاره کرد که در آن بر اساس حکم ۷ دسامبر ۱۹۴۱ هیتلر، واحدهای اطلاعاتی آلمان (گشتاپو)، طی نقشه‌ای به نام «شب و مه»،^{۱۱} اقدام به ربودن مخفیانه و شکنجه صدها تن از مخالفان دولتی در سرزمین‌های اشغالی کرده و بیشتر آن‌ها را به قتل می‌رساندند.^{۱۲} افراد مزبور می‌بایست طی هشت روز محاکمه و سپس کشته می‌شدند. در غیر این صورت، هرگز نشانه‌ای از فرد دستگیر شده به دست نمی‌آمد. نکته جالب توجه اینکه *فیلد مارشال ویلهلم کیتل*،^{۱۳} فرمانده عالی نیروهای مسلح آلمان که مسئول اجرای حکم هیتلر بود، طی رسیدگی به اتهامات وی در دادگاه نورنبرگ اذعان داشت که این رویه، مغایر حقوق بین‌الملل بوده و او از این موضوع اطلاع داشته است.^{۱۴}

در خلال دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی می‌توان رویه‌ای مشخص از ناپدیدسازی اجباری را در دوران حکومت دولت‌های نظامی دیکتاتورمآب امریکای لاتین مشاهده کرد. در این دوران، بسیاری از دولت‌های امریکای مرکزی و لاتین از جمله شیلی، آرژانتین، گواتمالا، کلمبیا، بولیوی، السالوادور، مکزیک، برزیل، پرو، هندوراس و هائیتی، با طرح دکترین امنیت ملی، به برخی از افراد جامعه، مانند نمایندگان احزاب و اتحادیه‌های تجاری، معلمان، دانشجویان و اعضای گروه‌های فرهنگی، عنوان دشمن داخلی، معاند و تروریست داده می‌شد و برای رهایی از این تهدیدات، دولت‌های مزبور، افراد را ناپدید می‌کردند. از دیگر سو، این دولت‌ها قصد داشتند تا نوعی ترس را در جامعه ترویج کنند که مجموعه این

11. Nacht und Nebel Erlass (Night and Fog)

12. Garibian, Sévane, "Enforced Disappearances of Persons", in *Online Encyclopedia of Mass Violence*, Available at: http://www.massviolence.org/Article?id_article=192.

13. Field-Marshal Wilhelm Keitel

14. The Trial of German Major War Criminals – Proceedings of the International Military Tribunal Sitting at Nuremberg, vol. 18, London, 1950, p. 214.
Available at: https://www.loc.gov/frd/Military_Law/pdf/NT_Vol-XVIII.pdf.

اقدامات را به «تروریسم دولتی»^{۱۵} تعبیر می‌کنند.^{۱۶} طبق آمارها، فقط در آخرین جلسه، کارگروه پنج‌نفره مربوط به ناپدیدسازی اجباری، بیش از ۲۰۰ پرونده را بررسی کرد. از سال ۱۹۸۰ به بعد، تعداد ۵۰ هزار پرونده از ۸۰ کشور جهان در این نهاد بررسی شد.^{۱۷}

در دهه ۱۹۸۰ نیز چنین رویه‌ای در برخی از کشورهای جهان از جمله عراق ملاحظه می‌شود که بر اساس آن، دولت صدام حسین طی عملیاتی موسوم به انفال به ناپدیدسازی اجباری صدها هزار نفر از مردم این کشور اقدام کرد.^{۱۸}

در سال‌های اخیر نیز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، دولت ایالات متحده آمریکا با طرح نظریه «جنگ علیه ترور»^{۱۹} اقداماتی را صورت داده است که در بخشی از این اقدامات، نیروهای اطلاعاتی این کشور، زندان‌هایی را در خارج از کشور آمریکا از جمله افغانستان، عراق و برخی کشورهای اروپایی موسوم به «سایت‌های سیاه»^{۲۰} برپا کرده‌اند که مظنونان به ارتکاب اعمال تروریستی علیه این کشور را پس از دستگیری مخفیانه در قالب «دستگیری‌های فوق‌العاده»^{۲۱} بدانجا منتقل

۱۵. تروریسم دولتی، چنان شدید است که منجر به نقض بنیادین حقوق بین‌الملل می‌شود. در این حالت، دولت به‌طور نظام‌مند یا موردی با نقض مقررات بنیادین و شناخته‌شده حقوق بشر و بشردوستانه، به سرکوب و حذف مخالفان، گروه‌های سیاسی، قومی، مذهبی و نژادی اقلیت اقدام می‌کند. در قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی در ارتباط با روابط دوستانه، دولت‌ها ملزم شده‌اند تا از سازماندهی یا تحریک به اقدامات و اعمالی مانند جنگ‌های داخلی و تروریسم در سرزمین دولت دیگر یا از بی‌تفاوتی نسبت به سازماندهی‌های انجام‌شده به‌منظور ارتکاب اعمال تروریستی پرهیز کنند. برخی حقوق‌دانان معتقدند پاره‌ای نقض‌های دولتی در حقوق بین‌الملل عرفی در قالب جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی گنجانده شده است و از این رو، تروریسم دولتی را فاقد جایگاه حقوقی در حقوق بین‌الملل موضوعه می‌دانند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ن.ک: محسن عبداللہی، تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، شهر دانش، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۵۰ و همچنین:

Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations, General Assembly Resolution 2625 (XXV) of 24 October 1970, Principle 1. Also, Yves Daudet, International Action against State Terrorism, in, Terrorism and International Law, Edited by Rosalyn Higgins and Maurice Flory, Routledge, 1997, pp. 202-216.

16. Scovazzi and Citroni, *op. cit.*, pp. 7-8.

17. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=37829&Cr=disappearances&Cr1>.

۱۸. عملیات انفال در دوره زمانی پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹) و توسط نیروهای بعثی عراق به سرکردگی علی حسن المجید علیه مردم شمال عراق که عمدتاً کردهای ساکن در این منطقه بودند، اتفاق افتاد که به‌واقع، نوعی نسل‌زدایی علیه اقلیت‌های کرد این کشور صورت گرفت. از اتهامات صدام حسین و ۶ تن دیگر از فرماندهان ارشد ارتش وقت عراق، نسل‌زدایی انجام‌شده در این عملیات بود که در دادگاه ویژه عراق پس از اشغال این کشور توسط آمریکا و متحدانش مطرح شد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

<https://www.hrw.org/reports/1993/iraqanfal>.

19. War on Terror

20. Black Sites

21. Extraordinary Rendition or Irregular Rendition, See: <https://www.opensocietyfoundations.org/voices/20-extraordinary-facts-about-cia-extraordinary-rendition-and-secret-detention>.

می‌کنند.^{۲۲} دولت آمریکا معتقد است که این افراد طی مخاصمه نظامی فعال، دستگیر نشده‌اند و از طرفی، رزمندگانی غیرقانونی تلقی می‌شوند. از این رو، تحت شمول مقررات کنوانسیون سوم ژنو در خصوص رفتار با اسرای جنگی قرار نمی‌گیرند.^{۲۳} «اتحادیه آزادی‌های مدنی در امریکا»^{۲۴} این نوع از دستگیرهای فراقانونی را نوعی ناپدیدسازی اجباری قلمداد کرده و معتقد است که دستگیرشدگان باید در دادگاهی با رعایت موازین عادلانه دادرسی محاکمه شوند و از طرفی، مکان‌های نگهداری از دستگیرشدگان نیز باید برچیده شود.^{۲۵} این اقدام آمریکا یادآور رویه دولت نازی آلمان در خلال جنگ جهانی دوم است که پیش‌تر به آن اشاره شد؛ ضمن اینکه مطابق ماده ۱۷ کنوانسیون حمایت از همه افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری ۲۰۰۶، «هیچ‌کس را نباید به صورت مخفیانه بازداشت کرد». در این خصوص، دولت‌ها ملزم‌اند تا شرایط مشخصی را در خصوص بازداشت و سلب آزادی افراد در قوانین داخلی خود تصویب کنند.^{۲۶}

با اوج‌گیری رویه ناپدیدسازی اجباری در این سال‌ها، سازمان ملل متحد نیز موضوع را در دستور کار نهادهای اصلی و فرعی خود قرار داد. دولت فرانسه در سال ۱۹۷۹ پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در خصوص این موضوع به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرد. کمیسیون حقوق بشر آن زمان نیز کارگروهی را در خصوص بررسی دقیق مسائل مربوط به ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی تعیین کرد. در این میان نیز شکایت‌های متعددی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای چون دیوان امریکایی حقوق بشر به ثبت رسید. در قطعنامه ۳۳/۱۷۳ به تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۷۸، مجمع عمومی نگرانی خود را در قبال گزارش‌های دریافتی در خصوص رویه ناپدیدسازی اجباری در نقاط مختلف جهان ابراز کرد.^{۲۷}

نهایتاً اینکه در ۱۸ دسامبر سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل با اجماع، «اعلامیه حمایت از

۲۲. جورج بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۲۰۰۶ با اعلام این خبر که دولت وی در راستای جنگ علیه ترور، مظنونان به ارتکاب اعمال تروریستی علیه کشور آمریکا را مخفیانه دستگیر می‌کند، در خصوص نحوه دستگیری‌ها و تعداد این بازداشت‌شدگان، اطلاعی ارائه نکرد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Jordan J. Paust, Secret Detentions, Secret Renditions, and Forced Disappearances During the Bush Administration's War on Terror, in, *The theory and Practice of International Criminal Law*, essays in honor of M. Cherif Bassiouni, 2008, Martinus Nijhoff Publishers, pp. 253-267. also; <http://ccrjustice.org/learn-more/reports/report:-record>.

۲۳. در این خصوص، ن.ک:

Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, et al., Supreme Court of The United States, No. 05-184, June 29, 2006, paras. 1-2, available at: <https://www.law.cornell.edu/supct/html/05-184.ZS.html>.

۲۴. American Civil Liberties Union

۲۵. See, http://www.aclu.org/human-rights_national-security/statement-khaled-el-masri.

۲۶. در خصوص بازداشت‌های مخفیانه، در حال حاضر، کارگروهی در چارچوب شورای حقوق بشر فعالیت می‌کند. ن.ک: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Disappearances/Pages/DisappearancesIndex.aspx>.

۲۷. Resolution 33/173 of 20 December 1978, Available at: <http://www.un.org/documents/ga/res/33/ares33r173.pdf>.

همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری^{۲۸} را در ۲۱ ماده تصویب کرد و در آن، با یادآوری اینکه کرامت ذاتی، برابری و حقوق غیرقابل سلب همه افراد خانواده بشری، بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان تلقی می‌شود، (مقدمه اعلامیه) ناپدیدسازی را جرمی علیه کرامت بشری تلقی کرد (ماده ۱ اعلامیه) و مسئولیت بین‌المللی کیفری مرتکبان آن نیز به رسمیت شناخته شد (ماده ۴ اعلامیه). حتی رویه منظم چنین اقدامی به منزله جنایت علیه بشریت، مدنظر قرار گرفت (مقدمه اعلامیه).

اعلامیه حقوق بشر وین نیز در سال ۱۹۹۳ در بخش دوم خود، ذیل بند ۶۲، ضمن استقبال از تصویب اعلامیه حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری در سال گذشته آن، با تکرار ماده ۳ اعلامیه، درباره حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، از همه دولت‌ها می‌خواهد تا در قبال قانونگذاری و اقدامات اداری و قضایی در خصوص پیشگیری و مبارزه با اعمال مربوط به ناپدیدسازی اجباری، اقدامات مؤثری انجام دهند. با تأکید مجدد بر مبارزه با چنین جرمی در اعلامیه حقوق بشر وین، تصویب کنوانسیون در خصوص جرم‌انگاری و مبارزه مؤثر در سطح جهانی که از الزام حقوقی نیز برخوردار باشد، پایه‌ریزی شد.^{۲۹}

مطابق ماده ۲ اعلامیه مجمع عمومی نیز دولت‌ها ملزم شدند تا در سطح ملی و منطقه‌ای با همکاری یکدیگر و سازمان ملل، اقدام به پیشگیری و محو چنین جرمی کنند. در این راستا، سازمان کشورهای امریکایی در تاریخ ۹ ژوئن ۱۹۹۴، اولین کنوانسیون لازم‌الاجرا را در اقتباسی از اعلامیه مجمع عمومی طی ۲۲ ماده در خصوص مقابله با ناپدیدسازی اجباری در سطح منطقه‌ای به تصویب رساند.^{۳۰} کنوانسیون مزبور در ۲۸ مارس ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شد. اهمیت مضاعف این کنوانسیون از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر کشورهای عضو سازمان کشورهای امریکایی، همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، خود به نوعی مبتلا به مسئله ناپدیدسازی بودند و پدیده مزبور به‌عنوان رویه‌ای معمول نزد حکمرانان نظامی وقت و علیه مخالفان حکومتی به کار گرفته می‌شد.^{۳۱}

شایان ذکر است که رویه قضایی قابل‌اعتنایی نیز در این خصوص در دیوان امریکایی حقوق بشر درباره رسیدگی به جرم ناپدیدسازی اجباری به وجود آمده است.^{۳۲} در واقع، رویه قضایی در سطح

28. Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance of 18 December 1992, A/RES/47/133, Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/disappearance.htm>.

29. Vienna Declaration and Programme of Action, A/CONF.157/23, 12 July 1993, Available at: [http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/\(symbol\)/a.conf.157.23.en](http://www.unhcr.ch/huridocda/huridoca.nsf/(symbol)/a.conf.157.23.en)

30. Inter-American Convention on the Forced Disappearance of Persons of June 9 1994, Available at: <http://www.oas.org/juridico/English/Treaties/a-60.html>.

31. برای مشاهده محاکمه و سوابق جرائم ارتكایی برخی از سران نظامی امریکای لاتین و سایر نقاط دنیا از جمله عراق و یوگسلاوی سابق، ن.ک: http://www.trial-ch.org/no_cache/en/resources/trial-watch/search.html

32. عمده رویه قضایی موجود در خصوص ناپدیدسازی اجباری، در رویه کمیته حقوق بشر، دیوان امریکایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر وجود دارد. ناگفته پیداست که تا پیش از تصویب اسناد مرتبط در مجمع عمومی و کنوانسیون ۲۰۰۶ در این زمینه، رویه قضایی تا حد بسیاری، ابعاد مختلف این موضوع را روشن ساخته است. توجه به ویژگی ماهیت مستمر ناپدیدسازی

منطقه امریکا و در قالب دیوان امریکایی حقوق بشر، از سطح کمی و کیفی بالایی برخوردار است. این امر نیز برخاسته از رویه موجود در کشورهای امریکای لاتین و مرکزی در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی بود که منجر به ایجاد رویه‌ای عادی در میان کشورهای این حوزه شد. این کشورها عمدتاً مبتنی بر رژیم‌های سیاسی بودند که از کودتاهای نظامی متعدد، سربرآورده بودند به طوری که اولین قضیه‌ای که در پیشگاه دیوان امریکایی مطرح شد، در خصوص ناپدیدسازی اجباری و مربوط به دانشجویی به نام *والسکوئز رودریگز*^{۳۳} بود که گرچه اولین مورد مطروحه در زمینه ناپدیدسازی تلقی می‌شد، از غنای حقوقی خاصی نیز برخوردار بود.^{۳۴} به طور کلی، در دو سال ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، حدود یک‌سوم آرای دیوان امریکایی در خصوص جرم ناپدیدسازی اجباری بوده است.^{۳۵}

به جهت اهمیت پرونده *رودریگز*، گزیده‌ای از این پرونده در اینجا بیان می‌شود. در این پرونده، نیروهای اطلاعاتی هندوراس، وی را در سال ۱۹۸۱ از دانشگاه محل تحصیل خود به زور به درون ماشینی بدون پلاک کشیدند. وی پس از بازپرسی‌های متعدد، به محلی نامعلوم برده شد و پس از آن، پلیس و مقامات مربوطه در خصوص سرنوشت وی اظهار بی‌اطلاعی کردند.^{۳۶} بعدها مشخص شد که پس از شکنجه‌های بسیار، وی به طرز وحشتناکی کشته و جسد پاره‌پاره وی در نقاط مختلف پایتخت، پراکنده شد. موضوع ناپدیدسازی وی از طریق خانواده قربانی در محاکم کیفری هندوراس پیگیری شد اما نتیجه خاصی نداشت. این موضوع به کمیسیون امریکایی حقوق بشر ارجاع شد و کمیسیون نیز با احراز نقض‌های برخی از مواد کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، از جمله ماده ۴ (حق حیات) و ماده ۷ (حق بر آزادی شخصی) پرونده را برای رسیدگی به دیوان ارجاع کرد.^{۳۷}

از جمله مواردی که در رأی دیوان از برجستگی خاصی برخوردار است، موضوع مربوط به قاعده «طی مراحل داخلی جبران خسارت»^{۳۸} است که دولت هندوراس در اعتراضات مقدماتی خود، این موضوع را در کمیسیون مطرح کرد. دیوان نیز ضمن تأیید استدلالات کمیسیون در خصوص طی این قاعده از سوی خانواده قربانی، اعتراض دولت هندوراس را قابل قبول ندانست. در مورد خاص ادله اثبات و بار اثبات، دیوان امریکایی چنین اظهار داشت که «اگر اثبات شود که سیاست رسمی ناپدیدسازی در هندوراس از سوی دولت به مرحله اجرا درآمده یا نسبت به آن

اجباری، تغییر جهت بار اثبات در دعوا و عدم صلاحیت محاکم نظامی و ویژه در رسیدگی به موضوع ناپدیدسازی اجباری از جمله دستاوردهایی است که توسط رویه قضایی مرتبط در این خصوص به وجود آمده است. ن.ک:

Scovazzi and Citroni, *op. cit.*, p.101.

33. Velásquez Rodríguez

34. Velasquez Rodriguez Case, Judgment of July 29, 1988, Inter-Am.Ct.H.R. (Ser. C) No. 4 (1988).

35. برای مشاهده پرونده‌های شاخص در این زمینه، ن.ک: <http://www.javier-leon-diaz.com/id5.html>

36. Rodriguez Case, para. 3.

37. *Ibid.*, para. 4.

38. The Rule of Prior Exhaustion of Domestic Remedies, (para. 61).

مماشات شده و ناپدیدشدن شخص موردنظر در پرونده، ارتباطی با این سیاست داشته باشد، در نتیجه، به نظر می‌رسد که ادعای کمیسیون حقوق بشر امریکایی در مورد بار اثبات ادعا، صحیح خواهد بود. استاندارد اثبات در رسیدگی‌های بین‌المللی به نسبت داخلی غیررسمی‌تر است. در رسیدگی‌های داخلی، استاندارد اثبات، بسته به ماهیت، ویژگی و جدی بودن پرونده، متفاوت است. ادله پیش شرط یا مفروض تلقی شده در رسیدگی‌های مربوط به ناپدیدسازی حائز اهمیت است زیرا در فرایند ناپدیدسازی، تمام سعی و تلاش بر این است که اطلاعاتی در زمینه ربودن فرد یا وضعیت فعلی یا سرنوشت وی باقی نماند.^{۳۹}

یکی از ادعاهای هندوراس در رد این شکایت این بود که از زمان وقوع این اتفاق، تغییرات سیاسی در این کشور در بخش دولتی و پارلمانی به وجود آمده است اما دیوان این ادعا را نپذیرفت و اعلام کرد که تغییرات سیاسی، ارتباطی به فرایند تعیین مسئولیت بین‌المللی دولت به دلیل نقض حقوق بشر ندارد. در نهایت، دیوان با احراز حقایق اعلام کرد که دولت هندوراس باید غرامت مالی متناسب با خسارات مالی و غیرمالی وارده در این زمینه را به خانواده رودریگز پرداخت کند.^{۴۰}

نکته قابل توجه دیگر در خصوص امریکای لاتین، اینکه عمده کشورهایی که در دهه‌های گذشته، درگیر مسئله ناپدیدسازی اجباری از سوی حکومت‌های زمان خود بودند، از جمله بولیوی، برزیل، آرژانتین، شیلی، هندوراس، پرو، پاراگوئه، نیکاراگوئه و ونزوئلا، کنوانسیون مزبور را به تصویب رسانده‌اند، درحالی که سایر دول عضو سازمان از جمله ایالات متحده امریکا و کانادا حتی معاهده مزبور را امضا نکرده‌اند.^{۴۱} در کنوانسیون امریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ نیز در این خصوص موادی قابل استناد وجود دارد که از آن جمله می‌توان به ماده ۳ (حق بر حضور در دادگاه)، ماده ۴ (حق بر حیات)، ماده ۵ (حق بر برخورد و رفتاری انسانی) و ماده ۷ (حق بر آزادی شخصی) اشاره داشت.

در سطح منطقه اروپا، جدای از موادی که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰ می‌توان به بحث ناپدیدسازی مربوط دانست، کنوانسیون مخصوص ناپدیدسازی اجباری وجود ندارد و شاید دلیل آن نیز این باشد که در این منطقه از جهان، گستره و شدت ارتکاب این جرم به حدی نبوده که دولت‌های عضو شورای اروپا را متقاعد کند تا در این زمینه کنوانسیون ویژه‌ای تدوین کنند. با این حال، کمیته وزیران و پارلمان اروپا، قطعنامه و توصیه‌هایی را در این خصوص تصویب کرده است. به عنوان مثال، کمیته وزیران در سال ۲۰۰۶ و در پاسخ به توصیه شماره ۱۷۱۹ و قطعنامه پارلمان اروپا به شماره ۱۴۶۳ در سال ۲۰۰۵ درباره ناپدیدسازی اجباری، با تأیید اینکه جرم مزبور به عنوان مصداقی از نقض شدید حقوق بشر قلمداد می‌شود، تأسف خود را از ارتکاب این عمل در اروپا ابراز می‌دارد و از چارچوب بین‌المللی اتخاذشده در مجمع عمومی جهت

39. paras. 126, 128 and 131.

40. paras. 158 and 166.

41. See: <http://www.oas.org/juridico/English/signs/a-60.html>.

تصویب کنوانسیون در این خصوص، حمایت می‌کند. لازم به یادآوری است که در خصوص بحث ناپدیدسازی اجباری، دیوان اروپایی حقوق بشر نیز با توسل به مواد ۲ (حق بر حیات)، ۳ (ممنوعیت شکنجه) و ۵ (حق بر آزادی و امنیت) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، رویه قضایی خاص خود را در این زمینه به وجود آورده است که اشاراتی به آن خواهد شد.

در پیشگاه دیوان اروپایی حقوق بشر، عمده دعوی مربوط به ناپدیدسازی اجباری، مربوط به دو کشور ترکیه و روسیه است.^{۴۲} در پرونده ماگومادوف علیه روسیه در سال ۲۰۰۵، دیوان به مورد ناپدیدسازی در منطقه جغرافیایی چچن پرداخت. خواهان‌ها دو برادر به نام ماگومادوف هستند که برادر سوم‌شان در زمان بازجویی خانه‌شان در سال ۲۰۰۰ توسط نیروهای امنیتی روسیه دستگیر شد و از آن زمان، اطلاعاتی در خصوص وی در دسترس نیست. در اثر جستجوهای این خانواده، اطلاعات ناچیزی به دست آمد. پلیس محلی اعلام کرده بود که وی به اتهام ارتکاب جرم دستگیر شده بود که پس از بازجویی‌های اولیه مشخص شد، اتهام علیه وی نادرست بوده و فردای همان روز دستگیری آزاد شده است، درحالی که نامی از برادر سوم در دفتر ثبت پلیس محلی وجود نداشت. جالب آنکه در زمان طرح دعوا در خصوص سرنوشت برادر سوم در دیوان اروپایی حقوق بشر، برادر نخست نیز ناپدید شد درحالی که وی برای آخرین بار در سال ۲۰۰۴ از مسکو با خانواده خود تماس گرفته بود. دیوان در نهایت اعلام کرد که حق بر حیات (ماده ۲)، ممنوعیت شکنجه (ماده ۳) و حق بر آزادی و امنیت شخصی (ماده ۵) در قبال دو برادر ماگومادوف توسط دولت روسیه نقض شده است.^{۴۳}

در چارچوب اتحادیه آفریقا نیز سندی خاص به ناپدیدسازی نپرداخته است و توجه به ناپدیدسازی اجباری را می‌توان از برآیند مواد مندرج در منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها به دست آورد. در این خصوص می‌توان به مواد ۴ (حق بر حیات)، ۵ (احترام به کرامت انسانی و شناسایی وضعیت حقوقی) و ۶ (حق بر آزادی و امنیت) اشاره کرد. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز به پاره‌ای شکایات فردی در این خصوص پرداخته است.^{۴۴}

در قالب رویه قضایی بین‌المللی می‌توان به رویه کمیته حقوق بشر سابق (به‌عنوان نهادی شبه قضایی) نیز اشاره داشت. در یکی از پرونده‌های قابل توجه، می‌توان به پرونده بوشراف علیه الجزایر در کمیته حقوق بشر اشاره داشت. البته این نکته شایان ذکر است که در نگاهی کلی به فهرست پرونده‌ها در کمیته در خصوص ناپدیدسازی اجباری، بیشتر دعاوی اقامه شده، علیه کشورهای امریکای

42. Scovazzi and Citroni, *op. cit.*, pp. 207-208.

43. *Magomadov and Magomadov v. Russia*, ECHR, 12 July 2007, available at: <http://ehrac.org.uk/resources/magomadov-and-magomadov-v-russia/>.

44. See, for example, "204/97: Movement burkinabé des droits de l'Homme et des peuples/ Burkina Faso", Available at: www.achpr.org/files/sessions/29th/comunications/204.97/achpr29_204_97_eng.pdf.

لاتین است که دلیل این موضوع، پیش تر بیان شد. پرونده بوشراف، مربوط به دستگیری پسر خانم او به همراه دو فرد دیگر توسط دو مأمور لباس شخصی به تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۵ است. ۵ روز بعد از این واقعه، یک پلیس، پسر دیگر خانم بوشراف را با همان ماشینی که پسر نخستش دستگیر شده بود، دستگیر کرد. در ۵ اوت ۱۹۹۵ پسر دوم وی و دو نفر دیگر آزاد شدند اما از پسر نخست او خبری نشد. این سه نفر تأیید کردند که فرزند نخست خانم بوشراف را در همان مقر پلیسی که نگهداری می شدند دیده اند و اظهار داشتند که تحت شکنجه نیز قرار گرفته بودند. حتی افراد دیگری هم شهادت دادند که فرزند او را در برخی بازداشتگاه‌های پلیس دیده‌اند اما خانم بوشراف، هر بار که به بازداشتگاه‌های مزبور مراجعه می کرد، با انکار مأموران پلیس روبه‌رو می شد. بر همین اساس، وی از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ چهارده بار به مقامات دولتی الجزایر مراجعه کرد که هر بار نتیجه‌ای به دست نیاورد. نهایتاً، ادعای وی به صورت قضایی مطرح شد که با صدور قرار منع تعقیب و تأیید آن توسط محکمه عالی در سال ۲۰۰۴، موضوع به لحاظ قضایی نیز به نتیجه‌ای نرسید. با طرح شکایت خواهان در کمیته حقوق بشر در آوریل ۲۰۰۶ وی به نقض مفاد مرتبط با میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ استناد کرد؛ از جمله حق بر جبران خسارت مؤثر (بند ۳ از ماده ۲)، ممنوعیت شکنجه (ماده ۷)، حق بر آزادی و امنیت (ماده ۹) و مواد ۱۴ و ۱۶ در مورد حق بر دادرسی عادلانه و شناسایی به‌عنوان شخص نزد دادگاه. کمیته در پایان، ضمن رد ادعای خواهان در خصوص مواد ۱۴ و ۱۶ به دلیل عدم اثبات موضوع، سایر ادعاهای خواهان را موجه تشخیص داد و از دولت الجزایر خواست تا خسارت را در این زمینه به‌طور مؤثر جبران کند؛ از جمله از طریق تحقیق جامعی در مورد ناپدید شدن فرزند وی، اطلاعات لازم در مورد سرانجام این تحقیقات، پرداخت غرامت متناسب و تعقیب کسانی که در این قضیه مسئول بوده‌اند.^{۴۵}

همچنین می‌توان به سابقه جرم‌انگاری ناپدیدسازی اجباری در دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره داشت. در حقوق بین‌الملل کیفری معاصر، ناپدیدسازی اجباری در زمره جرائم علیه بشریت و به‌ویژه در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری درج شده است. در قالب رویه داخلی نیز دادگاه‌های برخی از دولت‌ها موضوع را از زاویه حقوق داخلی و بین‌الملل بررسی کردند.

در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که می‌توان آن را تجلی عرف بین‌المللی در این خصوص دانست، ناپدیدسازی اجباری جرم‌انگاری شده است. ماده ۷ اشعار می‌دارد که در صورت وقوع حملات گسترده یا نظام‌مند و منظم علیه جمعیتی غیرنظامی و با علم بدان حمله، اقداماتی از قبیل ناپدیدسازی اجباری اشخاص (بند نهم) جرم علیه بشریت تلقی می‌شود.

45. *Boucherf v. Algeria*, Communication No. 1196/2003, 27 April 2006, available at: http://www.univie.ac.at/bimtor/dateien/hrc_2006_boucherf_vs_algeria.pdf.

دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، با توجه به ره‌آورد اساسنامه رم، در رأی سال ۲۰۰۰ خود در پرونده کوپرسکیچ اعلام کرد که به‌رغم اینکه ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان یکی از مصادیق جرائم علیه بشریت در اساسنامه دادگاه مزبور قید نشده است، از آنجاکه این جرم موجب نقض فاحش حقوق بشر بوده و از طرفی، در اسنادی چون اعلامیه مجمع عمومی ۱۹۹۲ و کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اشخاص ۱۹۹۴ ممنوع شده است، به این نتیجه می‌رسد که می‌توان این جرم را در دسته «سایر اعمال غیرانسانی»^{۴۶} مندرج در بند نهم ماده ۵ (جرائم علیه بشریت) اساسنامه دادگاه جای داد.^{۴۷} نکته جالب توجه اینکه شیوه نگارش مواد ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یکسان است، با این تفاوت که اساسنامه رم، موارد بیشتری را تحت شمول جرائم علیه بشریت آورده و عناصر مادی و معنوی این جرائم را تا حدودی تشریح کرده است.

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز عباراتی نزدیک به ناپدیدسازی اجباری در حقوق بشر وجود دارد که می‌توان آن را در قالب «افراد گم‌شده»^{۴۸} مدنظر قرار داد.^{۴۹} گرچه اصولاً ناپدیدسازی اجباری در زمان صلح امکان وقوع دارد،^{۵۰} با توجه به یافتن دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای که بر اساس آن، قواعد حقوق بین‌الملل بشر در زمان

46. Other Inhumane Acts

47. See, IT-95-16-T, 14 January 2000, available at: <http://www.icty.org/x/cases/kupreskic/tjug/en/kup-tj000114e.pdf>.

48. Missing Persons See, Rule 117, Available at: http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v1_cha_chapter36_rule117#Fn2.

۴۹. افراد گم‌شده کسانی هستند که در نتیجه مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی یا حتی آشوب داخلی ناپدید شده‌اند. اغلب از سرنوشت و محل تقریبی حضور این اشخاص، به دلایل مختلف، اطلاعی در دست نیست. ممکن است این افراد بر اثر اسارت یا در قتل عام، بازداشت، ربوده یا کشته شده باشند. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ن.ک:

Monique Crettol and Anne-Marie La Rosa, "The Missing and Transitional Justice: The Right to Know and the Fight Against Impunity", *International Review of the Red Cross*, vol. 88, No. 862, June 2006, pp. 355-362, also; Marco Sassòli et Marie-Louise Tougas, "The ICRC and the Missing", *International Review of the Red Cross*, 2002, vol. 84, No. 848, pp. 727-759.

۵۰. ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان مصداقی از جرم علیه بشریت، در زمره اقداماتی غیرانسانی قرار می‌گیرد که در یک زمینه خاص یعنی حمله گسترده و منظم علیه جمعیت غیرنظامی صورت می‌پذیرد و از این‌رو، ضرورتی ندارد که این دسته از جرائم در طول مخاصمه مسلحانه ارتکاب یابد. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Robert Cryer et al, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2007, pp. 191-192.

باین‌حال، شعبه استیناف دادگاه بین‌المللی کیفری در قضیه کوناراک اعلام کرد که برای احراز وقوع جرم علیه بشریت، عنصر خطمشی، از منظر حقوق بین‌الملل عرفی، به‌هیچ‌وجه، عنصری از عناصر جرائم علیه بشریت به شمار نمی‌آید. در واقع، شعبه مزبور، با اتخاذ این دیدگاه، آستانه وقوع جرم مزبور را پایین آورد. ن.ک:

Prosecutor v. Kunarac et al. (Case IT-96-23 and IT-96-23/I-A), Judgment, 12 June 2002, para. 98. also; William A. Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge University Press, 2004, pp. 45-47.

مخاصمه مسلحانه نیز قابل اعمال است،^{۵۱} این جرم در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی نیز قابلیت اعمال دارد.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کار برجسته جمع‌آوری قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی،^{۵۲} ذیل فصل پنجم از قواعد خود درباره «رفتار با غیرنظامیان و اشخاصی که توان رزم ندارند»،^{۵۳} طی قاعده ۹۸ خود به مسئله ناپدیدسازی اجباری توجه داشته است. این قاعده اشعار می‌دارد: «ناپدیدسازی اجباری ممنوع است». یافته کمیته این بوده که بر اساس رویه دولت‌ها، این ممنوعیت نه تنها در مخاصمات بین‌المللی، بلکه در مخاصمات غیربین‌المللی نیز حکم‌فرماست. همچنین به این موضوع اشاره شده که ممکن است ناپدیدسازی، تعدادی از قواعد حقوق بشردوستانه را نقض کند؛ از جمله ممنوعیت سلب خودسرانه حیات، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای ترذیلی و ممنوعیت قتل عمد؛ ضمن اینکه طرف‌های مخاصمه بین‌المللی و غیربین‌المللی، مطابق ماده ۲۶ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و ماده ۳۳ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، باید اقدامات لازم را در خصوص ثبت، ملاقات و اطلاع‌رسانی در خصوص فرد محروم‌شده از آزادی انجام دهند که این اعمال، زمینه پیشگیری از ناپدیدسازی اجباری است زیرا طرفین مخاصمه ملزم‌اند تا اقدامات لازم را جهت ثبت و آمارگیری از افرادی که در نتیجه مخاصمه ناپدید شده‌اند، به عمل آورند. در کتابچه راهنمای نظامی برخی کشورها مانند کلمبیا، السالوادور، اندونزی و پرو نیز ناپدیدسازی ممنوع اعلام شده است.^{۵۴} بالاین حال، محور این نوشتار در مورد ناپدیدسازی اجباری در حقوق بین‌الملل بشر است و اشاره مذکور در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کافی به نظر می‌رسد.

۲-۱. تعریف و عناصر جرم ناپدیدسازی اجباری

ارائه تعریف جامع و مانع در شناسایی و جرم‌انگاری پدیده ناپدیدسازی اجباری از اهمیت برخوردار است. در کنوانسیون سال ۲۰۰۶ به نحو کافی به این موضوع پرداخته شده است. ناپدیدسازی اجباری چنین تعریف شده است: «توقیف یک شخص به وسیله یا با تأیید مقاماتی که قربانی را به طور مخفیانه و بدون ارتباط با دنیای خارج نگهداری کرده‌اند و محبوس نگاهداشتن وی را انکار می‌کنند».^{۵۵}

تعریف ماده ۲ کنوانسیون ۲۰۰۶ از ناپدیدسازی، کامل‌تر است. این ماده اشعار می‌دارد که ناپدیدسازی اجباری عبارت است از «دستگیری، بازداشت، ربودن یا هر شکلی از اشکال سلب آزادی

51. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996, para. 25.

52. <http://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/home>.

53. Treatment of Civilians and Persons Hors de Combat.

54. <http://www.icrc.org>, *Ibid*.

55. H. Victor Condé, *A Handbook of International Human Rights Terminology*, Second Edition, 2004, pp. 66-67.

توسط مأموران دولتی یا توسط اشخاص یا گروهی از اشخاص که بر اساس تجویز، حمایت یا با رضایت دولت، اقدام به انکار هرگونه اطلاعاتی درباره سلب آزادی یا با پنهان‌کاری درباره سرنوشت یا محل تقریبی شخص ناپدیدشده می‌کنند، به‌نحوی که فرد ناپدیدشده به‌دور از هرگونه حمایت قانونی قرار می‌گیرد». این در حالی است که اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی، تعریفی از این جرم ارائه نمی‌کند و صرفاً به مصادیق حق‌های بشری نقض‌شده این‌گونه افراد در صورت ارتکاب ناپدیدسازی اشاره می‌کند (ماده ۱ اعلامیه).

کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اجباری اشخاص ۱۹۹۴ نیز در ماده ۲ خود، تعریف کمابیش مشابهی از این جرم ارائه می‌کند. این ماده اظهار می‌دارد: «سلب آزادی شخص یا اشخاص از آزادی‌شان از سوی مأموران دولتی یا توسط اشخاص یا گروهی از اشخاص بر اساس تجویز، حمایت یا رضایت دولت و عدم اطلاع‌رسانی و انکار هرگونه اطلاعاتی درباره سلب آزادی یا ارائه هرگونه اطلاعاتی درباره سرنوشت یا محل تقریبی شخص ناپدیدشده که در نتیجه، مانع از مراجعه وی برای جبران خسارت‌های حقوقی قابل اعمال و تضمینات آیین دادرسی می‌شود». در واقع می‌توان تعریف ارائه‌شده در کنوانسیون امریکایی را راهنمای کنوانسیون ۲۰۰۶ دانست.

درمورد عناصر این جرم باید به چند نکته اشاره کرد. نخست اینکه این جرم لزوماً توسط ارکان دولتی در قالب مأموران دولتی یا اشخاص منتسب به دولت که تأیید و رضایت دولت را به همراه دارند ارتکاب می‌یابد و در نتیجه، همواره عنصر دولت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعریف این جرم ایفا می‌کند. بنابراین، باید افرادی را که توسط اشخاص یا گروه‌های غیرقابل انتساب به دولت ربوده شده و ناپدید می‌شوند، در قالب جرمی مانند آدم‌ربایی قرار داد.

نکته دیگر اینکه وجود عنصر دولتی در این جرم، انگیزه‌های عمدتاً سیاسی ارتکاب از سوی مرتکب را جلوه‌گر می‌سازد و به‌نوعی، عنصر روانی جرم مزبور، مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ضمن اینکه جرم ناپدیدسازی، نوعی «جرم مرکب»^{۵۶} به حساب می‌آید چرا که عناصر جرم از اعمال متعدد ترکیب شده است. گفته شده، «جرم مرکب، جرمی است که عنصر مادی آن از اعمال متعدد ترکیب شده (کلاهبرداری) یا اینکه عمل واحد، منشأ چند جرم شود (تیراندازی با تفنگ در یک جمع که منجر به چند قتل شود) یا اینکه مصادیق آن در قانون مجازات، متعدد باشد».^{۵۷} در اینجا نیز پس از ناپدیدشدن شخص یا اشخاص، دولت یا مأموران دولتی یا افرادی که عمل‌شان منتسب به دولت است، درباره سرنوشت فرد یا حتی مکان تقریبی استقرار فعلی وی نیز پنهان‌کاری می‌کنند و از این طریق، «حق بر دانستن»^{۵۸} خانواده و بستگان فرد ناپدیدشده را نیز نقض می‌کنند که در ماده ۲۶ کنوانسیون ۲۰۰۶

56. Compound Crime

۵۷. باهری، محمد؛ حقوق جزای عمومی، (تقریرات)، رهام، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱.

58. The Right to Know or the Right to the Truth

درج شده است و فرایند بی‌اطلاع‌گذاشتن خانواده فرد قربانی ناپدیدسازی، هر لحظه، جزئی از جرم را تشکیل می‌دهد که این امر بر شدت جرم و مجازات آن خواهد افزود.

از طرف دیگر، این جرم، حالت استمرار (جرم مستمر)^{۵۹} نیز دارد (بند اول ماده ۱۷ اعلامیه ۱۹۹۲) زیرا سوءنیت فاعل، هر آن در حال تکرار است و از سوی دیگر، طبیعت جرم چنین است که حالت استمرار را با خود به همراه دارد.^{۶۰} یعنی از زمان ربودن فرد، این جرم آغاز می‌شود و تا زمانی که دولت، اطلاعی از وضعیت فرد ناپدیدشده ارائه نکند، این جرم هنوز در حال ارتکاب است.^{۶۱} ویژگی مستمر این جرم سبب شده که حتی در فرض آغاز ناپدیدسازی و سپس پیوستن دولت مزبور به سند الزام‌آور در این خصوص، مسئولیت دولت، همچنان باقی باشد و اثر آن سند به ماقبل نیز تسری پیدا کند. این وضعیت در خصوص فرد مرتکب نیز جاری است و محاکم بین‌المللی کیفری باید چنین راهبردی را در خصوص استمرار این جرم اتخاذ کنند.^{۶۲}

نکته پایانی اینکه فرد ناپدیدشده، از دسترسی به قانون و دادگاه، محروم خواهد بود و از این رو، یکی دیگر از حقوق بنیادین بشری وی نقض می‌شود؛ حقی که در اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و همین‌طور اعلامیه ۱۹۹۲ و کنوانسیون امریکایی و اروپایی حقوق بشر بدان اشاره شده است.

۲. مقابله با ناپدیدسازی اجباری در عرصه بین‌المللی

۲-۱. کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری

همان‌گونه که ملاحظه شد، موضوع ناپدیدسازی اجباری اشخاص از همان دهه‌های آغازین فعالیت ملل متحد، یکی از موضوعات مطرح حقوق بشری در سطح سازمان ملل متحد بوده و هم‌اکنون نیز

کارگروه مربوط به ناپدیدسازی در این خصوص، تفسیری کلی ارائه کرده است که این حق را در سطح فردی (حق فرد بر دانستن از نقض‌هایی که بر حقوق وی اثر گذارده‌اند، حق اعضای خانواده فرد قربانی) و در سطح جمعی (تضمینی برای عدم ارتکاب مجدد به چنین جرائمی) قابل تفکیک می‌داند. درباره ناپدیدسازی اجباری، حق بر دانستن حقیقت یعنی حق بر دانستن روند و نتایج تحقیقات، سرنوشت یا اطلاعاتی در خصوص فرد ناپدیدشده، اوضاع و احوال ناپدیدشده‌ها و شناسایی مرتکبان. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on the Right to the Truth in Relation to Enforced Disappearances, preamble and para. 1, available at: http://www2.ohchr.org/english/issues/disappear/docs/GC-right_to_the_truth.pdf

59. Continuous Crime

۶۰. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶. همچنین برای مشاهده تفسیر کلی کارگروه از این موضوع، ن.ک:

General Comment on Enforced Disappearance as a Continuous Crime, para. 1.

61. *Ibid.*

62. *Ibid.*, paras. 3-6.

مورد تدقیق نهادهای حقوق بشری آن است.^{۶۳} همان طور که پیش از این گفته شد، سابقه موجود در چارچوب سازمان ملل متحد در قبال واکنش به پدیده ناپدیدسازی اجباری، نتایجی دربرداشت که از قطعنامه ۱۹۷۸ مجمع عمومی به‌عنوان اولین اقدام نهاد مزبور در این خصوص و تشکیل کارگروهی درمورد بررسی موضوع طی قطعنامه ۱۹۸۰ تا زمان صدور اعلامیه ناپدیدسازی مصوب مجمع عمومی در سال ۱۹۹۲ ادامه داشت.

کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ کارگروه ویژه‌ای را برای تدوین کنوانسیون لازم‌الاجرا درباره موضوع ناپدیدسازی تشکیل داد. طی مذاکراتی سه ساله، بیش از ۷۰ کشور و همچنین سازمان‌های غیردولتی و حتی خانواده‌ها و بستگان افراد ناپدیدشده در جلسات این کارگروه شرکت کردند. در اولین جلسه شورای حقوق بشر در ژوئن ۲۰۰۶ «کنوانسیون بین‌المللی پیرامون حمایت از همه افراد در قبال ناپدیدگی اجباری» به تصویب رسید.^{۶۴} این کنوانسیون با تصویب و تودیع دولت عراق به‌عنوان بیستمین سند تصویب، در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶ در مجمع عمومی به تصویب رسیده بود که مقرر شد با تودیع بیستمین سند تصویب، لازم‌الاجرا شود (ماده ۳۹ کنوانسیون مزبور).

کمیسیون عالی حقوق بشر در این خصوص اظهار داشت «با لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون، یکی از خلأهای قانونی مهم در زمینه قانونگذاری حقوق بشر در قبال پیکار علیه ناپدیدگی اجباری اشخاص، به‌عنوان یکی از شدیدترین جرائم غم‌بار در عرصه بین‌المللی برطرف شده است. این کنوانسیون، خلاقانه چارچوب بین‌المللی مستحکمی را در خصوص مبارزه با بی‌کیفرماندن و تحقق عدالت ارائه می‌کند و در نتیجه، اثر بازدارنده مهمی در پی خواهد داشت. وی خاطر نشان می‌سازد که درد و رنج ناشی از عدم اطلاع از سرنوشت عزیزان و بستگان شخص ناپدیدشده، خود به‌نوعی شکنجه محسوب می‌شود».^{۶۵}

کنوانسیون از ۴۵ ماده تشکیل شده که بدون استثنا (اعم از وضعیت جنگی یا تهدید به جنگ، ناآرامی‌های سیاسی داخلی یا هر نوع وضعیت اضطراری عمومی دیگر)، هرگونه ناپدیدگی اجباری را غیرقانونی قلمداد می‌کند (ماده ۲). ماده ۱۰ کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اجباری اشخاص نیز به این موضوع توجه کرده است. طرف‌های متعهد کنوانسیون، از نگهداری مخفیانه اشخاص در بازداشت،

63. <http://www.ohchr.org/EN/Issues/Pages/ListOfIssues.aspx>.

64. <http://www2.ohchr.org/english/issues/disappear/index.htm>.

برای مشاهده ترجمه فارسی کنوانسیون، ن. ک: کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، ترجمه: مژگان عطار، شماره ۳۹، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز - زمستان ۱۳۸۷؛ مژگان عطار، حمایت از افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری در کنوانسیون ۲۰۰۶ و قوانین ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷؛ محمدتقی تقی‌زاده؛ ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حقوق بین‌الملل کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۱.

65. <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=36856&Cr=human&Cr1=rights>.

منع شده‌اند (بند اول ماده ۱۷) و ملزم به احراز مسئولیت کیفری هر فردی هستند که اقدام به مباشرت، دستور دادن (آمر)، تسهیل یا ترغیب (معاونت) به ارتکاب یا شروع به ارتکاب ناپدیدسازی اجباری می‌کند (بند اول ماده ۶). همچنین کنوانسیون مزبور، رویه منظم و گسترده ناپدیدسازی اجباری را جرم علیه بشریت توصیف کرده است (ماده ۵). دولت‌ها متعهد شده‌اند تا از شکات، شهود، بستگان افراد ناپدیدشده، وکیل مدافع آن‌ها و بازپرس‌ها حمایت‌های لازم را به عمل آورند.

همچون سایر نهادهای حقوق بشری مبتنی بر معاهده در ساختار سازمان ملل،^{۶۶} کمیته‌ای از ۱۰ کارشناس بی‌طرف و مستقل که صلاحیت‌شان در زمینه حقوق بشر بر اساس شایستگی‌شان احراز شده باشد، با اقدام به نظارت و ارزیابی عملکرد دول متعهد در این خصوص، نظارت بر اجرای کنوانسیون را بر عهده خواهند داشت (ماده ۲۶ به بعد). بیش از ۷۰ کشور دیگر نیز قصد خود را مبنی بر انجام اقدامات اولیه در خصوص امضا و تصویب ابراز کرده‌اند. در حال حاضر، ۸۷ کشور آن را امضا کرده‌اند.^{۶۷} پیش از این نیز کارگروهی در خصوص ناپدیدشدن‌های اجباری و غیرارادی تشکیل شده بود که اولین کارگروه حقوق بشری ملل متحد در ارتباط با بررسی موضوعی حقوق بشر با ماهیتی جهانی شناخته می‌شود.^{۶۸}

مطابق مواد ۳۱ و ۳۲، دولت‌های متعهد می‌توانند در هر زمان اعلامیه‌ای را صادر کرده و بر اساس آن، صلاحیت کمیته را در مورد دریافت و بررسی مکاتباتی به رسمیت بشناسند که بر اساس

^{۶۶} در حال حاضر، هفت کمیته فعال حقوق بشری مبتنی بر معاهده در ساختار سازمان ملل وجود دارند که به ترتیب آغاز به کار عبارت‌اند از: کمیته محو تبعیض نژادی، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کمیته محو تبعیض علیه زنان، کمیته مقابله با شکنجه، کمیته حقوق کودک و کمیته کارگران مهاجر. برای مطالعه بیشتر درباره نحوه سازوکارهای این کمیته‌ها، ن.ک:

Olivier De Schutter, *International Human Rights Law: Cases, Materials, Commentary*, Cambridge University Press, 2010, pp. 791-854.

^{۶۷} برای مشاهده وضعیت کنوانسیون، ن.ک:

[http://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtsg_no=IV-16&chapter=4\(=en\)](http://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtsg_no=IV-16&chapter=4(=en)).

^{۶۸} Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances of 26 January 2011, *op. cit.*, paras. 2-10.

این کارگروه پنج‌نفره توسط قطعنامه شماره ۲۰ کمیسیون حقوق بشر در تاریخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۰ شکل گرفت. در سال میلادی گذشته، این کارگروه که در سی‌امین سالگرد تأسیس خود، گزارش سالانه خود را صادر کرد، از همان ابتدا مأموریت داشت تا اقدامات انسان‌دوستانه‌ای را در خصوص مساعدت به خانواده‌ها درباره اطلاع از سرنوشت یا محل نگهداری عضو ناپدیدشده خانواده‌شان انجام دهد. با این حال، کارگروه اذعان دارد که از سوی خانواده‌های بسیاری، صدها پرونده به وی ارجاع شده که هرگز نتوانسته پاسخی در خصوص سرنوشت افراد ناپدیدشده به خانواده‌های چشم‌انتظار ارائه کند. با این حال، این کارگروه، نقش مؤثری در نظارت بر اجرای اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی ایفا کرد و شورای حقوق بشر نیز طی قطعنامه ۷/۱۲ تمایل خود را به ادامه کار این نهاد، ابراز داشت. هم‌اکنون این نهاد با دولت‌های جهان در خصوص پرونده‌هایی که به آن ارجاع می‌شود، مکاتباتی را صورت می‌دهد تا از سرنوشت قربانیان ناپدیدسازی غیرارادی و اجباری، اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار خانواده‌های آنان قرار دهد. برای مطالعه بیشتر در خصوص فعالیت‌های این کارگروه، ن.ک:

<http://www2.ohchr.org/english/issues/disappear/index.htm>.

آن، اشخاص یا نمایندگان وی یا دولت عضو دیگر، مدعی می‌شود که آن دولت، تعهدات مندرج در این کنوانسیون را رعایت نکرده است. در غیر این صورت، کمیته، صلاحیتی برای بررسی مکاتبات انجام‌شده در این خصوص ندارد. در این زمینه، دولت‌های اروگوئه، مالی، فرانسه، شیلی، آلبانی و آرژانتین، اعلامیه‌های مزبور را صادر کرده‌اند. دولت‌های کوبا و ونزوئلا نیز در مورد طرق حل و فصل اختلاف ناشی از اجرا یا تفسیر کنوانسیون (داوری و مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری)، حق شرط‌هایی را وارد کرده‌اند (بند ۲ ماده ۴۲).

در خصوص ارتباط میان اعلامیه مجمع عمومی درباره حمایت از اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری ۱۹۹۲ و کنوانسیون ۲۰۰۶ در خصوص ناپدیدسازی اجباری باید خاطر نشان کرد که اعلامیه مزبور، پایه و مبنای نگارش کنوانسیون جدید بوده است، به نحوی که تقریباً تمامی مفاد اعلامیه در کنوانسیون حاضر نیز تکرار شده است. به‌عنوان مثال، تأکید هر دو سند بر این است که ناپدیدسازی اجباری در عرصه حقوق بین‌الملل بشر، جرم شناخته می‌شود و دولت‌ها متعهد می‌شوند که در قوانین جزایی خود، چنین پدیده‌ای را جرم‌انگاری کنند (ماده ۴ اعلامیه و کنوانسیون) و در صورت ارتکاب گسترده و در قالب رویه‌ای منظم و نظام‌مند، ناپدیدسازی اجباری از ماهیت جرائم علیه بشریت، پیدا خواهد بود (بند چهارم مقدمه اعلامیه و ماده ۵ کنوانسیون).

۲-۲. جرم‌انگاری ناپدیدسازی اجباری

مطابق ماده ۳ کنوانسیون ۲۰۰۶ دولت‌ها باید به اندازه کافی در زمینه سرنوشت افراد ناپدیدشده و مرتکبان جرم مذکور، تحقیق کنند. در راستای اصل مبنایی قانونی بودن جرم و مجازات، ماده ۴ نیز تأکید دارد که دولت‌ها باید جرم ناپدیدسازی اجباری را در قوانین کیفری خود بگنجانند و همان طور که پیش‌تر گفته شد، همه افرادی که به‌نوعی در انجام این جرم دست دارند، محاکمه و مجازات شوند و با توجه به شدت عمل انجام‌شده، مجازات متناسبی را با آن تعیین کنند (بند اول ماده ۷). از این رو، هیچ حکم یا دستور دولتی و غیردولتی نمی‌تواند مجوزی برای ارتکاب ناپدیدسازی اجباری قرار گیرد (بند آخر ماده ۶). حتی دولت‌های عضو کنوانسیون باید مواعد مرور زمانی موجود در قوانین آیین دادرسی کیفری خود را در خصوص جرائمی با چنین شدت ارتكابی، برای مدت طولانی تعیین کنند (ماده ۸). ماده ۷ کنوانسیون امریکایی نیز مقررات مشابهی در این خصوص دارد.

ضمن اینکه هر دولتی که متهم به ارتکاب چنین جرمی را در سرزمین تحت صلاحیت خود دستگیر کرد باید وی را به کشور صالح جهت رسیدگی استرداد یا وی را به دادگاه بین‌المللی کیفری صالح تسلیم کند (مواد ۱۰ و ۱۱). کنوانسیون مقرر می‌دارد در هنگام استرداد متهم نباید به دلیل توجیه سیاسی بودن نوع جرم، از تسلیم وی به کشور یا مرجع ذی‌صلاح، اعراض شود (ماده ۱۳). در ماده ۵ کنوانسیون

امریکایی به این موضوع توجه شده است. نکته شایان توجه در خصوص استرداد اینکه اگر کشوری دلایلی قانع‌کننده در دست داشت که در صورت استرداد، بیم به‌خطرافتادن شخص به دلیل ارتکاب ناپدیدسازی اجباری علیه وی وجود دارد، باید از استرداد وی خودداری کند (ماده ۱۶).^{۶۹} ماده ۵ کنوانسیون، ارتکاب ناپدیدسازی اجباری را جرم علیه بشریت قلمداد می‌کند. این ماده چنین اشعار می‌دارد: «رویه منظم و گسترده ناپدیدسازی اجباری، جرمی علیه بشریت به شمار می‌آید که در حقوق بین‌الملل تعریف شده است و باید آثار تعیین‌شده برای چنین جرائمی در حقوق بین‌الملل برای این جرم نیز تحمیل شود». پیش‌تر اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی در بند چهارم مقدمه خود، این جرم را از مصادیق جرائم علیه بشریت به حساب آورده بود. کنوانسیون امریکایی ۱۹۹۴ نیز به پیروی از اعلامیه ۱۹۹۲، در مقدمه خود به این امر اشاره دارد که رویه منظم ناپدیدسازی اجباری، جرم علیه بشریت تلقی می‌شود. بنابراین، اقدام کنوانسیون اخیر، در حوزه حقوق بین‌الملل بشر، گامی به جلو تلقی می‌شود.

با این حال، سال‌ها پیش از این، جرم‌انگاری این پدیده در حقوق بین‌الملل که ماده ۵ کنوانسیون حاضر به آن احاله داده است، انجام شده بود. انعکاس این یافته که به‌نوعی پیش‌تر از این، در حقوق بشردوستانه نیز در قالب کنوانسیون چهارم و پروتکل الحاقی اول وجود داشت، در ماده ۷ اساسنامه رم ۱۹۹۸ جلوه‌گر شد. همان‌طور که در سطور پیشین گفته شد، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ناپدیدسازی اجباری را مصداقی از بند آخر ماده ۵ خود (سایر اعمال غیرانسانی) قرار داد و آن را جرم علیه بشریت در نظر گرفت. از این رو می‌توان حقوق بین‌الملل بشر را در این زمینه، الهام‌بخش و الهام‌گیرنده از دو حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان مجموعه قواعد مکمل حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان وجه ضمانت اجرای قواعد حقوق بشر و بشردوستانه قلمداد کرد.^{۷۰}

کارگروه پنجم نفرهٔ مربوط به ناپدیدسازی اجباری پیش از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون ۲۰۰۶، در خصوص مفهوم جنایت علیه بشریت، نظریه کلی را اراده کرده که شایان توجه است. این کارگروه با توجه به اسناد موجود در این خصوص، قطعنامه ۱۹۸۳ مجمع عمومی سازمان کشورهای امریکایی را یادآور می‌شود که به ارتباط میان ناپدیدسازی و جرم علیه بشریت اشاره داشت. اعلامیه ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل، کنوانسیون امریکایی مربوط به ناپدیدسازی اشخاص، توجه به تعریف

^{۶۹} در حقوق بین‌الملل بشر، از این قاعده تحت عنوان Non-refoulement نام برده شده است. برای مشاهده مطالعه تفصیلی در مورد این قاعده، ن.ک:

<http://www.unhcr.org/publications/legal/419c75ce4/refugee-protection-international-law-scope-content-principle-non-refoulement.html>.

^{۷۰} برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Brian Finucane, "Enforced Disappearance as a Crime under International Law: A Neglected Origin in the Laws of War", *The Yale Journal of International Law*, vol. 35, 2010, pp. 171-197.

جرائم علیه بشریت در کد جنایت علیه صلح و امنیت بشری کمیسیون حقوق بین‌الملل،^{۷۱} اساسنامه رم و در نهایت، کنوانسیون ۲۰۰۶، مواردی است که در آن به‌نحوی به موضوع جرم علیه بشریت و ارتباط آن با ناپدیدسازی اجباری پرداخته شده است. کارگروه معتقد است که کارهای مقدماتی کنوانسیون نشان می‌دهد که دولت‌ها بر این باور نبوده‌اند تا ناپدیدسازی را به‌عنوان جرمی علیه بشریت تعریف کنند بلکه کیفیات این جرم را بیشتر بر اساس اسناد و منابع حقوق بین‌الملل، مطمح نظر قرار داده بودند. به‌عنوان جرم علیه بشریت، ناپدیدسازی با اعمال «عناصری زمینه‌ای»^{۷۲} به وقوع خواهد پیوست. کارگروه متذکر می‌شود که حقوق بین‌المللی که مدنظر دولت‌ها بوده، امروزه صرفاً با توجه به ره‌آوردهای حقوق بین‌الملل کیفری در قالب دیوان بین‌المللی کیفری و دادگاه‌های موردی و مختلط، معنادار خواهد بود. به همین دلیل، کارگروه، عناصر زمینه‌ای را در رأی کوناراک در سال ۲۰۰۲ جستجو می‌کند.^{۷۳} این عناصر در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تکرار شده‌اند و عبارت‌اند از:

۱- وجود حمله ۲- علیه جمعیت غیرنظامی ۳- به‌طور منظم یا گسترده ۴- علم عامل به عمل حمله. شعبه مقدماتی اول دیوان بین‌المللی کیفری نیز در تصمیم سال ۲۰۰۷ خود در قضیه/احمد هارون و علی قشیب به این آورده دادگاه یوگسلاوی در قضیه کوناراک اشاره می‌کند.^{۷۴} همچنین ماده ۷ اساسنامه رم در اساسنامه دیگر دادگاه‌های مختلط مانند سیرالتون و کامبوج آمده است. در نهایت، کارگروه نتیجه‌گیری می‌کند که به این اقتناع رسیده است که این مقرره اساسنامه رم، امروزه جزئی از حقوق بین‌المللی عرفی به حساب می‌آید و تفاسیر آینده نیز باید بر اساس این ماده به عمل آید.^{۷۵}

۳. دیدگاه ایران نسبت به کنوانسیون و ضرورت پیوستن به آن

برای نخستین بار، زمانی که مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۸ قطعنامه‌ای درمورد اشخاص ناپدیدشده صادر کرد، به دلیل صدور این سند، بدون رأی‌گیری نمی‌توان به دیدگاه مشخص ایران در این خصوص، دست پیدا کرد.^{۷۶}

۷۱. کارگروه مزبور، تعریف موجود در کد جنایت علیه صلح و امنیت بشری کمیسیون حقوق بین‌الملل را پذیرفته است. ماده ۱۸ این کد مقرر می‌دارد: «هریک از اشکال ذیل که به‌نحو منظم یا در مقیاس وسیع به تحریک یا هدایت یک دولت یا هر گروه و سازمانی ارتکاب یابد...».

72. Contextual Elements

73. *Kunarac and Others Case*, 12 June 2002, IT-96-23 & 23/1-A, paras. 71-105.

74. *The Prosecutor v. Ahmad Muhammad Harun* («Ahmad Harun») and Ali Muhammad Ali Abd-Al-Rahman («Ali Kushayb») n° ICC-02/05-01/07, 27 April 2007, paras. 60-62.

75. Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on Enforced Disappearances as a Crime against Humanity, Available at: http://www2.ohchr.org/english/issues/disappear/docs/GCas_crime_against_humanity.pdf.

76. A/RES/33/173.

در زمان تصویب اعلامیه مهم ۱۹۹۲ در مورد حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، همین اتفاق افتاد و بدون انجام رأی‌گیری، قطعنامه مزبور تصویب شد که بعدها مبنای اساسی کنوانسیون ۲۰۰۶ قرار گرفت.^{۷۷} همین موضوع موجب شده که کارگروه ناپدیدسازی اجباری در گزارش سال ۲۰۰۲ از ایران بخواهد که تعهدات خود را ذیل ماده ۱۳ قطعنامه مجمع عمومی در خصوص تحقیق و بررسی برای روشن شدن سرنوشت قربانیان ذی‌ربط به انجام برساند؛ از جمله اینکه با روشن شدن موضوع، مرتکبین ناپدیدسازی اشخاص را به پای میز محاکمه بکشاند.^{۷۸} همچنین به این نکته توجه داده شده که پرونده‌های متعددی به دولت ایران ارسال شده تا در خصوص سرنوشت اشخاص ذی‌ربط که در ایران ناپدید شده‌اند اقدامات لازم را انجام دهد که در همین راستا، کارگروه ناپدیدسازی اعلام می‌کند با همکاری دولت ایران، سرنوشت ۱۳ پرونده از ۱۵ پرونده ارسالی مشخص شده است اما هنوز در مورد ۵۰۱ پرونده جاری، پاسخی دریافت نکرده است.^{۷۹} در همین راستا، آخرین گزارش کارگروه مزبور در سال ۲۰۱۶ نیز در بررسی وضعیت کشورها، هنگامی که به ایران می‌رسد اعلام می‌کند که پرونده جدیدی در خصوص اعلام ناپدیدسازی در ایران در سال ۱۹۸۲ اتفاق افتاده که از دولت ایران خواسته شده در این باره اطلاعات لازم را در اختیار کارگروه قرار دهد تا به اطلاع خانواده فرد مزبور برساند.^{۸۰}

در سال ۲۰۰۱ که کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) مشغول بررسی طرحی در زمینه تدوین و تصویب نهایی کنوانسیونی در زمینه مقابله با ناپدیدسازی اشخاص بود، کارگروهی از سوی این کمیسیون، مأموریت یافت تا در خصوص این موضوع، گزارش‌های لازم را ارائه کند. به همین منظور، جلسات متعددی توسط این کارگروه با شرکت کشورهای عضو ملل متحد جهت بحث و بررسی در خصوص ابعاد مختلف معاهده‌ای الزام‌آور جهت حمایت از اشخاص در زمینه ناپدیدسازی اجباری تشکیل شد. ایران نیز در خصوص کلیت این سند و برخی مفاد پیشنهادی آن اظهارنظرهایی انجام داد که بررسی آن، دیدگاه ایران را در خصوص این کنوانسیون روشن می‌کند.

در جلسه پنجم و پایانی کارگروه ذی‌ربط که از ۱۲ تا ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵ به طول انجامید، موضوعات مختلفی در خصوص گنجاندن مواد مختلف در سند پایانی پیشنهاد شد و دولت‌ها نیز دیدگاه‌های خود را مطرح کردند. ماده ۳۰ کنوانسیون اعلام می‌کند که در زمان فوریت‌داشتن موضوع با تشخیص کمیته ناظر کنوانسیون، از دولت ذی‌ربط خواسته می‌شود تا اطلاعاتی را در مورد شخص یا اشخاص معینی که خانواده یا نماینده قانونی وی درخواست کرده‌اند، به کمیته ارائه کند.

77. A/RES/47/133.

78. Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, E/CN.4/2002/79, 18 January 2002, paras. 169-172.

79. *Ibid.*, paras. 173-174.

80. Communications, Cases Examined, Observations, and Other Activities Conducted by the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/WGEID/108/1, 15 April 2016, para. 60.

دولت ایران در خصوص درج این مقرره، مخالف و معتقد بود که باید معیار قابلیت پذیرش دیگری برای تشخیص ضرورت درخواست دریافت اطلاعات بر مبنای حقایق در این ماده درج شود. اما کارگروه با این دیدگاه ایران موافق نبود و بر این نظر بود که تشخیص ضرورت بر مبنای معیار حقایق، امری است که در بندهای همین ماده درج شده است؛ از جمله اینکه این درخواست به‌طور آشکار، بی‌پایه و اساس نباشد یا اینکه موجب سوءاستفاده از حق ارائه چنین درخواستی نباشد و پیش‌تر به مقامات ذی‌صلاح داخلی مراجعه شده باشد.^{۸۱}

درمورد ماده ۳۱ کنوانسیون، دولت ایران چنین بیان داشت که «جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت کمیته [ناظر پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون را] در خصوص دریافت و بررسی مکاتبات اشخاص نمی‌پذیرد».^{۸۲} این ماده اعلام می‌دارد که دولت عضو کنوانسیون می‌تواند در زمان پیوستن به این سند اعلام کند که به کمیته ذی‌ربط اجازه نمی‌دهد که مکاتبات قربانیان ناپدیدسازی اجباری را دریافت کند. همچنین در بخش مربوط به بحث و بررسی راجع به شکل نهایی سند و ماهیت نهاد نظارتی آن، نماینده دولت ایران در کنار دولت‌هایی چون آنگولا، کانادا و هلند، دیدگاه کلی خود را در این باره چنین اعلام کرد که در ارزیابی نهایی، ایران معتقد است که سند حاضر باید به شکل پروتکلی الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی الحاق شود و کمیته حقوق بشر باید به‌عنوان نهاد ناظر بر آن، عهده‌دار وظایف محوله باشد. با این حال، این نکته نیز از سوی ایران و همسو با کشورهای فوق‌الذکر مطرح شد که ایران با ماده پیشنهادی در راستای دستیابی به اجماع، مخالفت نخواهد کرد.^{۸۳}

از طرفی، ایران درمورد تعهد به جرم‌انگاری ناپدیدسازی اجباری در قوانین کیفری داخلی چنین اظهار داشت که اگر قوانین کیفری کشوری دارای مقرراتی درباره مجازات ناپدیدسازی باشد، تعهدی بر دوش دولت‌ها برای جرم‌انگاری مشخص در خصوص ناپدیدسازی اجباری وجود نخواهد داشت. دولت چین نیز نظری مشابه با ایران مطرح کرد.^{۸۴}

نکته دیگری که ایران در خصوص آن در پیش‌نویس کنوانسیون اظهار نظر کرد، مربوط به سازوکار حل‌وفصل اختلافات بود. در ماده ۴۲ چنین پیش‌بینی شده بود که در صورت بروز اختلاف میان دولت‌های عضو و عدم حل‌وفصل آن از راه‌های مسالمت‌آمیز چون مذاکره، رجوع به داوری و دیوان بین‌المللی دادگستری باید در دستور کار قرار گیرد. دولت‌های شرکت‌کننده در جلسه بر اختیاری بودن این مقرره تأکید داشتند اما ایران معتقد بود که باید چنین ماده‌ای از سند نهایی

81. Report of the Intersessional Open-ended Working Group to Elaborate a draft Legally Binding Normative Instrument for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, E/CN.4/2006/57, 2 February 2006, para. 46.

82. *Ibid.*, para. 59.

83. *Ibid.*, para. 84.

84. *Ibid.*, para. 102.

کنوانسیون حذف شود.^{۸۵} از آنجا که کنوانسیون در خصوص بحث حق شرط، مقرره‌ای را پیش‌بینی نکرده بود، دولت مصر معتقد بود که بر اساس مقررات حقوق معاهدات و رویه قضایی، امکان درج حق شرط در زمان پیوستن به سند نهایی وجود خواهد داشت. دولت ایران نیز از این نظر حمایت کرد.^{۸۶} همه موارد بالا در مورد اظهارنظرهای ایران نشان می‌دهد که دولت ایران تمایل چندانی به پیوستن به کنوانسیون مزبور نداشت و مایل نبود در قبال نهاد نظارتی آن یا رجوع به رکن حل و فصل اختلاف، دچار مخاطرات احتمالی در قبال اختلافات احتمالی با سایر اعضا یا در تقابل با گزارش‌های کمیته نظارتی مربوطه قرار گیرد. با این حال، ایران به‌رغم حضور فعال در فرایند تدوین و تصویب پیش‌نویس نهایی کنوانسیون در سال ۲۰۰۵ توسط کارگروه ویژه کمیسیون حقوق بشر سابق، از امضای کنوانسیون خودداری کرده است.

سخن آخر در این قسمت اینکه همان گونه که ذکر شد، دولت ایران، عضو کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری نیست و حتی آن را امضا نکرده است. این امر نشانگر آن است که دولت ایران حتی تمایلی به داشتن حداقل تعهد نسبت به کنوانسیون در قالب امضا نیز ندارد. از طرفی، در حال حاضر، تعداد ۹۶ دولت این سند را امضا کرده‌اند و تنها ۵۷ دولت، عضو آن هستند. این میزان نیز نشان‌دهنده اقبال نه‌چندان رضایت‌بخش دولت‌ها به این کنوانسیون است. در زمره دولت‌هایی که وضعیتی مشابه ایران دارند می‌توان به ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، چین، روسیه، کانادا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد. نکته جالب اینکه حتی دولت‌های اروپایی چون سوئیس، سوئد، نروژ، لوکزامبورگ و ایرلند نیز از سال‌های نخست تصویب کنوانسیون در ۲۰۰۶ صرفاً آن را امضا کرده‌اند و هنوز اسناد تصویب را تودیع نکرده‌اند. ضمن اینکه تمامی همسایگان ایران نیز جز جمهوری آذربایجان که آن را در ۲۰۰۷ امضا کرده و عراق که در ۲۰۱۰ به آن پیوسته، طرف این کنوانسیون قرار نگرفته‌اند.

این نکته بدیهی است که رویکرد پیوستن به اسناد حقوق بشری، امری مقبول و مطلوب جامعه بین‌المللی برای حمایت هرچه بیشتر از موجود بشر در سطح داخلی و بین‌المللی است. اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که وضعیت پیوستن دولت‌ها به بسیاری از اسناد حقوق بشری الزام‌آور، روند معناداری دارد که بحث از آن در این مقال نمی‌گنجد. به‌طور گذرا اشاره می‌شود که بر اساس تارنمای ملل متحد در خصوص وضعیت معاهدات، اسناد حقوق بشری زیر، چند عضو دارند: کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌زدایی ۱۹۴۸: ۴۱ دولت امضاکننده و ۱۴۷ دولت عضو؛ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۶: ۸۸ دولت امضاکننده و ۱۷۷ دولت عضو؛ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶: ۷۱ دولت امضاکننده و ۱۶۴ دولت عضو؛ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶: ۷۴ دولت امضاکننده و ۱۶۸ دولت عضو؛ کنوانسیون عدم قابلیت اعمال مرور زمان بر جنایات

85. *Ibid.*, paras. 153-154.

86. *Ibid.*, para. 159.

جنگی و جنایات علیه بشریت ۱۹۶۸: ۹ دولت امضاکننده و ۵۵ دولت عضو؛ کنوانسیون سرکوب و مجازات جرم تبعیض نژادی ۱۹۷۳: ۳۱ دولت امضاکننده و ۱۰۹ دولت عضو؛ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی علیه زنان ۱۹۷۹: ۹۹ دولت امضاکننده و ۱۸۹ دولت عضو؛ کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا خوارکننده ۱۹۸۴: ۸۳ دولت امضاکننده و ۱۵۹ دولت عضو؛ کنوانسیون علیه تبعیض نژادی در ورزش ۱۹۸۵: ۷۲ دولت امضاکننده و ۶۰ دولت عضو؛ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹: ۱۴۰ دولت امضاکننده و ۱۹۶ دولت عضو؛ کنوانسیون بین‌المللی در مورد حمایت از حقوق همه کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها ۱۹۹۰: ۳۸ دولت امضاکننده و ۴۸ دولت عضو؛ کنوانسیون حقوق افراد دچار معلولیت ۲۰۰۶: ۱۶۰ دولت امضاکننده و ۱۶۶ دولت عضو؛ کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری: ۹۶ دولت امضاکننده و ۵۲ دولت عضو.^{۸۷} این آمار بسیار کلی در نگاه کل‌نگر، حکایت از این امر دارد که در اسنادی با موضوعاتی چون مرور زمان در جنایات بین‌المللی، تبعیض نژادی در ورزش و حمایت از اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، اقبال مشابهی با سایر اسناد وجود ندارد و این خود می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد از جمله به‌خطرافتادن مقامات دولتی به دلیل ارتکاب جنایت بین‌المللی به سبب وجود امکانات دولتی و امکان اجرای آن یا وجود تعهدات گسترده در حمایت از اشخاص در قبال ناپدیدسازی اجباری به‌ویژه اینکه دولت با توجه به امکانات وسیع خود در مظان نخست اتهام در خصوص ناپدیدسازی اشخاص قلمداد می‌شود.

کوتاه‌سخن اینکه دولت ایران برای تصمیم‌گیری در خصوص پیوستن به کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری باید ظرفیت‌های داخلی خویش را در این خصوص مدنظر قرار دهد. گاهی پیوستن به معاهدات حقوق بشری در صورت نبود امکانات و ظرفیت‌های لازم در کشور، نتیجه‌ای جز اعمال فشار بر آن کشور نخواهد داشت که این موضوع، خود دو جنبه مثبت و منفی دارد. جنبه مثبت این نکته، ارتقای اجباری ظرفیت‌های لازم داخلی برای اجرای تعهدات دولت در خصوص مقررات معاهده حقوق بشری ذی‌ربط است و پیوستن به آن می‌تواند آغاز حرکتی برای این موضوع قلمداد شود. جنبه منفی این موضوع می‌تواند این نکته باشد که در صورت پیوستن به معاهده‌ای حقوق بشری بدون در نظر گرفتن امکانات و ظرفیت‌های داخلی و همچنین، عدم تمایل یا توان لازم برای ارتقای سطح جامعه داخلی به‌صورت مورد نظر معاهده مزبور، ممکن است آن دولت، ناقض تعهدات ذی‌ربط شناخته شود و انتشار گزارش‌های ادواری و رسیدگی به شکایات واصله توسط نهادهای ناظر می‌تواند فشارهای مختلف بین‌المللی را بر آن دولت وارد آورد بخصوص اینکه برای برخی دولت‌ها از جمله ایران بر اساس شرایط خاص سیاسی، گزارشگر ویژه نیز تعیین شده است و این امر، بیش از پیش می‌تواند ایران را فاقد تمایل یا توانایی لازم برای اجرای تعهدات

87. https://treaties.un.org/pages/Treaties.aspx?id=4&subid=A&clang=_en.

حقوق بشری خویش جلوه دهد.

نتیجه

پدیده ناپدیدسازی اجباری در دوران معاصر به حدی شدت پیدا کرد که در برخی مناطق جغرافیایی مانند امریکای لاتین در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، فزونی بسیاری پیدا کرد و به‌عنوان ابزاری در دست حکومت‌های برآمده از بطن کودتای نظامی به کار گرفته شد. حتی در این دهه، چندین فیلم سینمایی نیز با دست‌مایه و موضوع ناپدیدسازی اجباری در این حوزه ساخته شد.^{۸۸} متأسفانه به‌رغم اینکه درمورد ناپدیدسازی، بیشتر از عملکرد گذشته برخی دولت‌ها صحبت شد، امروز این پدیده شوم، همچنان در ناآرامی‌های داخلی، شورش‌ها و مخاصمات مسلحانه داخلی نیز قربانی می‌گیرد.

بر اساس گزارش مبسوطی که یک روزنامه‌نگار فعال در این زمینه تهیه کرده، علاوه بر ارتکاب ناپدیدسازی اجباری توسط گروه‌های شورشی در سریلانکا در دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ میلادی، در میانه سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ نیز موج قابل‌توجهی از ناپدیدسازی اجباری اشخاص توسط گروه‌های شورشی و مخالف دولت و حتی دولت، ارتکاب پیدا کرده است.^{۸۹} همچنین بر اساس گزارشی که در تارنمای کمیساریای عالی حقوق بشر قابل دسترسی است، نیروهای نظامی مخالف دولت سوریه، پس از شروع مخاصمات در این کشور، اشخاص حامی دولت، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و رهبران مذهبی را دستگیر کرده و با تهدید به مرگ آن‌ها، از دولت، خواستار آزادی زندانیان خود هستند. بر اساس این گزارش، رویه مشابهی توسط دولت نیز گزارش شده است.^{۹۰}

همین‌طور، بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر، در میانه سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ در دوران ریاست جمهوری وقت مکزیک، ۲۵ هزار نفر از اشخاص در این کشور توسط مأموران دولتی دچار ناپدیدسازی شده‌اند. عجیب‌تر اینکه گزارش اعلام می‌کند، برخی مأموران دولتی با گروه‌های سازمان‌یافته در این کشور همکاری می‌کنند تا با ربودن افراد، از خانواده‌های آن‌ها اخاذی کنند.^{۹۱}

^{۸۸} این فیلم‌ها عبارت‌اند از Missing محصول ۱۹۸۲؛ Official Story محصول ۱۹۸۵؛ Imagining Argentina محصول

۲۰۰۳ و The Judge and the General محصول ۲۰۰۸. در این زمینه، ن.ک.

<http://humanrightshistory.umich.edu/problems/disappearances>.

به‌عنوان مثال، فیلم آخر درمورد یک قاضی است که در سال ۱۹۹۸ در شیلی برای رسیدگی به جنایات ژنرال پینوشه تعیین می‌شود. بر این اساس، هیچ‌کس انتظاری از وی نداشت زیرا او از جمله افرادی بود که حامی کودتای پینوشه علیه حکومت قانونی وقت، سالوادور آلنده بود. باین‌حال، روایت فیلم به‌نحوی است که نشان می‌دهد قاضی مزبور در نهایت با مراجعه به گذشته خود، نقش خویش را در تراژدی آن دوران بازگو می‌کند. ن.ک:

http://www.imdb.com/title/tt1267389/plotssummary?ref_=tt_ov_pl.

^{۸۹} <http://groundviews.org/2014/01/09/enforced-disappearances-in-sri-lanka-2006-2013>.

^{۹۰} “Without a Trace: Enforced Disappearances in Syria”, 19 December 2013, available at: <http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/CoISyria/ThematicPaperEDInSyria.pdf>.

^{۹۱} “Mexico: Crisis of Enforced Disappearances”, available at: <https://www.hrw.org/news/2013/02/20/mexico-crisis-enforced-disappearances>.

کنوانسیون ۲۰۰۶ در مورد مقابله با ناپدیدسازی اجباری، گامی است که جامعه بین‌المللی در راستای حمایت و ترویج حقوق بین‌الملل برداشته است و لازم‌الاجرا شدن نسبتاً زودهنگام این سند در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۰ نشان از آن دارد^{۹۲} که اراده جدی برای مقابله با این پدیده شوم که دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی مرتکب می‌شوند، وجود دارد. ایران هنوز به عضویت این کنوانسیون در نیامده است. در این میان، جا دارد که همه دولت‌ها طرف این سند قرار گیرند و اقدامات لازم را با ناپدیدسازی اجباری که ترکیبی از امکان نقض حق‌های مختلف بشری است، مدنظر قرار دهند؛ نکته‌ای که شورای حقوق بشر از همه دولت‌ها خواسته است.^{۹۳} به تعبیری، ارتکاب ناپدیدسازی به نحوی است که رد پایی از فرد ناپدیدشده باقی نمی‌ماند و این بسیار ناگوارتر از کشتن و مرگ است.^{۹۴} ناپدیدسازی نه تنها فرد یا افراد ناپدیدشده را از حقوق بنیادین خویش محروم می‌کند بلکه در دیدی میانه، خانواده و اطرافیان فرد ناپدیدشده و در نگاهی وسیع‌تر، جامعه ذی‌ربط و در تحلیل نهایی، جامعه بین‌المللی را متأثر می‌کند.

تعداد دولت‌های عضو این سند در برابر سایر معاهدات حقوق بشری تقریباً اندک است. اگر زمانی دولت ایران، قصد پیوستن به این کنوانسیون را داشته باشد باید تمام ظرفیت‌های داخلی خود را در خصوص این موضوع، مطمح نظر قرار دهد و در این مسیر، باید همه ابزارهای لازم از جمله ابزارهای قانونی و اجرایی را برای برآوردن تعهدات ناشی از کنوانسیون مهیا سازد.

92. https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=IV-16&chapter=4&lang=en.

93. A/HRC/RES/16/16, 12 April 2011, para. 2.

94. Scovazzi and Citroni, *op. cit.*, p. 397.

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، میزان، ۱۳۸۳.
- باهری، محمد؛ حقوق جزای عمومی، (تقریرات)، رهام، ۱۳۸۱.
- عبداللهی، محسن؛ تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، شهر دانش، ۱۳۸۰.

- پایان نامه

- تقی‌زاده، محمدتقی؛ ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حقوق بین‌الملل کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
- عطار، مژگان؛ حمایت از افراد در برابر ناپدیدسازی اجباری در کنوانسیون ۲۰۰۶ و قوانین ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، ترجمه: مژگان عطار، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۹، پاییز- زمستان ۱۳۸۷.

ب) انگلیسی

- Books

- Condé, H. Victor, *A Handbook of International Human Rights Terminology*, Second Edition, 2004.
- Cryer, Robert et al, *An Introduction to International Criminal Law and Procedure*, Cambridge University Press, 2007.
- Daudet, Yves, "International Action against State Terrorism", in *Terrorism and International Law*, Edited by Rosalyn Higgins and Maurice Flory, Routledge, 1997.
- De Schutter, Olivier, *International Human Rights Law: Cases, Materials, Commentary*, Cambridge University Press, 2010.
- Paust, Jordan J., "Secret Detentions, Secret Renditions, and Forced Disappearances During the Bush Administration's War on Terror", in *The Theory and Practice of International Criminal Law, Essays in Honor of M. Cherif Bassiouni*, 2008, Martinus Nijhoff Publishers.
- Schabas, William A., *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge University Press, 2004.
- Scovazzi, Tullio and Gabriella Citroni, *The Struggle against Enforced Disappearance and the 2007 United Nations Convention*, Martinus Nijhoff

Publishers, 2007.

- *The Trial of German Major War Criminals – Proceedings of the International Military Tribunal Sitting at Nuremberg*, vol. 18, London, 1950.

- Articles

- Crettol, Monique and Anne-Marie La Rosa, “The Missing and Transitional Justice: The Right to Know and the Fight Against Impunity”, *International Review of the Red Cross*, vol. 88, No. 862, June 2006.
- Finucane, Brian, “Enforced Disappearance as a Crime under International Law: A Neglected Origin in the Laws of War”, *The Yale Journal of International Law*, vol. 35, 2010.
- Sassòli, Marco et Marie-Louise Tougas, , “The ICRC and the Missing”, *International Review of the Red Cross*, 2002, vol. 84, No. 848.
- Sévane, Garibian, “Enforced Disappearances of Persons”, in *Online Encyclopedia of Mass Violence*.
http://www.massviolence.org/Article?id_article=192.

- Case Laws

- Mouvement Burkinabé des Droits de l'Homme et des Peuples/ Burkino Faso, 204/97, http://www.achpr.org/english/Decison_Communication/Burkina%20faso/Comm.%20204-97.pdf.
- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996.
- *Prosecutor v. Kunarac et al.* (Case IT-96-23 and IT-96-23/I-A), Judgment, 12 June 2002.
- *The Prosecutor v. Ahmad Muhammad Harun* («Ahmad Harun») and Ali Muhammad Ali Abd-Al-Rahman («Ali Kushayb») n° ICC-02/05-01/07, 27 April 2007.
- Hamdan v. Rumsfeld, Secretary of Defense, *et al.*, Supreme Court of The United States, No. 05–184, June 29, 2006.
- Velasquez Rodriguez Case, Judgment of July 29, 1988, Inter-Am.Ct.H.R. (Ser. C) No. 4 (1988).
- Kupreškić *et al.*, IT-95-16-T, 14 January 2000, available at: <http://www.icty.org/x/cases/kupreskic/tjug/en/kup-tj000114e.pdf>.
- Kunarac and Others Case, 12 June 2002, IT-96-23 & 23/1-A.
- *Boucherf v. Algeria*, Communication No. 1196/2003, 27 April 2006.
- *Magomadov and Magomadov v. Russia*, ECHR, 12 July 2007.

- Documents & Reports

- A/RES/33/173
- A/RES/47/133
- Communications, Cases Examined, Observations, and other Activities

Conducted by the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/WGEID/108/1, 15 April 2016.

- Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in Accordance with the Charter of the United Nations, General Assembly Resolution 2625 (XXV) of 24 October 1970.
- Declaration on the Protection of all Persons from Enforced Disappearance of 18 December 1992, A/RES/47/133.
- Enforced or Involuntary Disappearances, Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Fact Sheet No. 6/Rev.3.
- General Comment on Enforced Disappearance as a Continuous Crime.
- Inter-American Convention on the Forced Disappearance of Persons of June 9 1994.
- Mexico: Crisis of Enforced Disappearances, available at: <https://www.hrw.org/news/2013/02/20/mexico-crisis-enforced-disappearances>.
- Report of the Intersessional Open-ended Working Group to Elaborate a Draft Legally Binding Normative Instrument for the Protection of all, E/CN.4/2006/57, 2 February 2006. Persons from Enforced Disappearance
- Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances of 26 January 2011.
- Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances of 27 December 2005.
- Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, E/CN.4/2002/79, 18 January 2002.
- Resolution 33/173 of 20 December 1978.
- Vienna Declaration and Programme of Action, A/CONF.157/23, 12 July 1993.
- Without a Trace: Enforced Disappearances in Syria, 19 December 2013.
- Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on Enforced Disappearance as a Continuous Crime.
- Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on the Right to the Truth in Relation to Enforced Disappearances.
- Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, General Comment on Enforced Disappearances as a Crime Against Humanity.

- Websites

- <http://ccrjustice.org>
- <http://groundviews.org>
- <http://humanrightshistory.umich.edu>
- <http://treaties.un.org>
- <http://www.aclu.org>
- <http://www.constitution.org>
- <http://www.diplomatie.gouv.fr>

-
- <http://www.icrc.org/>
 - <http://www.oas.org>
 - <http://www.ohchr.org/>
 - <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=10889&LangID=E>
 - <http://www.trial-ch.org>
 - <http://www.un.org>
 - <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=38058&Cr=china&Cr1=>
 - <http://www.unhcr.ch>
 - <http://www10.gencat.cat/drep/AppJava/cat/ambits/Pau/angles/calendar.jsp>